

آهن طهرت درها

بسم الله
In the name of God

تقديم به پدر و مادر عزیز
Dedicated to my Dear Father and Mother

روح اله تیموری / شهرت روحا / متولد بابل ۱۳۴۲

کارشناس ارتباط تصویری از موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مازیار رویان ۱۳۸۹ / عضو موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر ایران / فعالیتهایی در زمینه طراحی، نقاشی، گرافیک، تصویرسازی، عکاسی و ... / همکاری با میثم خالوندی طراح گرافیک / برگزاری و شرکت در ۴۰ نمایشگاه انفرادی و گروهی و جشنواره داخلی و خارجی از سال ۸۰-۹۰ در دانشگاه سن ایگناسیولیم - پرو ، دانشگاه هنر مکزیک ، گالری ران هاوس - تورنتو کانادا ، گالری کارون - ونکوور کانادا ، فرهنگستان هنر تهران ، خانه هنرمندان ایران ، موزه هنرهای معاصر اصفهان ، نگارخانه لاله تهران ، خانه هنرمندان اصفهان ، نگارخانه سوره تهران ، خانه هنرمندان مشهد ، نگارخانه فریاد کرمان و ...

Rouhollah Teymouri / pen mane: Rouha / Born in Babol in 1984

Expert in pictorial communication from Royan Maziyar non - profit higher education institution 2011 / Member in Iran's Contemporary personification arts developments institution (academy) / some activities in respect of drawing (designing), drawing , graphica , picture- marking, photography and ... / Cooperation with Meysam khalvandi , graphic designer/ Holding and participation in 40 individual and group exhibitions and domestic and foreign (abroad) festivals during 2001-2011 in : san Ignasiv lima university - peru, university of Art Mexico , Ran house gallery - Toronto Canada , Caroun gallery - Vancouver Canada , Art academy of Tehran , Iran's artists house , Isfahan's contemporary arts museum , Tehran's Laleh gallery , Isfahan's artists house , Tehran's surah gallery , Mashhad's house of artists , kerman's Faryad gallery and ...

همانطور که تصاویر می گذرند و عکسها، یکی از پس دیگری می آیند و همچنان حظّ بصری می بری، یقین پیدا می کنی که در ورای این رنگها و نقش ها، مفاهیمی پنهان است که باید کشف و مورد درک واقع گردند. زیرا می دانی که هر اثری ظاهری و باطنی دارد و ظاهر باطن را می سازد و آن را بیان می کند. پس هر چه جلوتر می روی در می یابی که باید دقیق تر شوی و به لایه های زیرین اثر هم توجه کنی. در نگاه اول عکسها بیشتر از انتخابهای ساده گرافیکی که در آنها به روابط میان خطوط و سطوح و رنگها و ترکیب بندی توجه شده، نشان نمی دهند، اما وقتی به زیرنویس آثار و مکانهای عکسبرداری توجه کنی و مهمتر از همه به کل عکسهای پیش رو و آن چه که در این مجموعه کوچک نگنجد بصورت واحد و یکپارچه بنگری یقین می کنی که همانند همیشه تاریخ نقش های ساده و متنوعی که در زندگی روزمره به کار گرفته می شود حاکی از دانش و بینش و فرهنگ اقوامی است که آنها را به کار می گیرند. باینرا از هر دو زاویه دید فرم گرایانه و محتوا گرایانه (مفهوم گرا) باید به آثار نگاه کرد. آثار عکاسی «روحانه»^(۱) از دید فرمالیستی، بسیار ساده و اکثراً مینی مالیستی بوده و به سمت یکی از ویژگی های اصلی گرافیک یعنی کمینه گرایی و بیان حداکثری به کمک کمترین اجزای تصویر، گرایش دارند که این امر با توجه به رشته تحصیلی و سوابق کاری اش خیلی دور از ذهن نبوده و نیست. در این راستا روی یاد در نظرگیری تمامی جنبه های استیثیکی آثار هنری کلاسیک و مدرن، گرافیک عامه^(۲) را تکمیل نموده و بهترین نمونه های دربرهای ورودی را گزینش کرده و از زاویه دید ساده و روبرو و به کمک نور تخت (در اکثر موارد)، سعی نموده تا تصویر گرافیکی دلنشینی از موضوع ایجاد کند.

از دید محتوایی (همانگونه که ذکر شد) به کل عکسها باید بصورت مجموعه واحد نگاه شود نه تک عکس. زیرا هر کدام از عکسها به تنهایی نمی توانند مفهوم مورد نظر صاحب اثر را به مخاطب منتقل نمایند و همانند اجزای یک پازل، در کنار هم قرار گرفتنشان سبب تکمیل محتوا خواهد شد. هر عکس از این مجموعه، ارزش های فرمالیستی بیشتری نسبت به بار معنایی اثر دارد، لذا تک عکس ها در این مجموعه خود اجزای کوچک و زیبایی هستند که وجودشان برای ساخته شدن کل (که بار معنایی بدوش آن است) لازم و ضروری است.

عکسهای این مجموعه، نشان دهنده و محمل نوع بینش و برخورد جمعی از مردم مازندران در به کارگیری اجزای تصویر (عناصر و عوامل بصری) در بخش کوچکی از زندگی روزمره شان (دربهای ورودی منازل) می باشند. بحث پیرامون درستی یا نادرستی این طرز به کارگیری، خود مجالی دیگر می طلبد لیکن چگونگی نشان دادن این موضوع در این مقال می گنجد. «روحانه» در این تصاویر سعی نموده به دور از هر گونه پیچیدگی ظاهری و باطنی و در کمال سادگی و بی پیرایگی آثارش را شکل داده و ارائه

نماید. ^(۴) وی با سفر به گوشه و کنار مازندران و به ویژه با دور شدن از شهرها و مکانهای شهرزده ^(۵) که بسیار تحت تأثیر تکنولوژی و هنر غربی هستند تلاش دارد تا گزینش های بهتری برای نشان دادن فرهنگ بومی اش داشته باشد. در این عکسها نشان می دهد که چگونه مردم بصورتی ساده و به دور از هر گونه تجمل، هارمونی دقیقی از رنگها و سطوح رنگی ایجاد می نمایند و در نهایت سادگی عناصر طبیعی را به عناصر بصری اولیه (نقطه، خط، سطح، حجم) تجرید نموده و یا بصورتی سمبلیک از آنها استفاده می نمایند (مانند تصاویر تجرید شده ماه و خورشید و ستاره ها که بصورت سطوح اولیه بر روی دریاها ظاهر می شوند و یا تصویر سمبلیک گل و گیاه و برخی حیوانات که بصورتی متفاوت نسبت به واقعیت، نقش گردیده اند) بیکرانگی و آبی دریا در این آثار به واسطه به کار گیری رنگ آبی موج می زند، و سبزی دشتها و جنگل ها و شالیزارها در رنگ سبز به کار رفته در دریاها نمود پیدا می کند. بیننده با دیدن این آثار حتماً باید از خود پرسد که چرا در این عکسها، کمتر رنگهای گرم می بینیم؟ چرا برخی رنگها بیشتر تکرار شده اند؟ چرا بعضی نقوش و طرحها بیشتر تکرار شده اند؟ و سؤالات بسیار دیگر که بهتر است توسط ذهن مخاطب جستجوگر طرح شده و پاسخ آنها در آثار پیش رو جستجو شود.

اما در نهایت علاوه بر مطالب فوق، آنچه برای من نگارنده در این پروژه ارزشمند بوده و هست، انتخاب موضوع و چگونگی ارائه آن است که حکایت از تلاش همراه با خلاقیت و نوآوری توسط «روح» دارد.

میرصفی اندیکلاپی

اردیبهشت ۱۳۹۰

(۱) «روح» تخلص روح اله نیموری است.

(۲) گرافیک عامه به بخشی از هنر گرافیک که توسط عامه مردم به کار گرفته می شود، اطلاق می گردد. آنهم بدون آنکه خود بدانند و یا بخواهند به آن، هنر یا هنر گرافیک اطلاق نمایند.

(۳) این سادگی و بی پیرایگی ناشی از شخصیت آرام و بی پیرایه «روح» می باشد.

(۴) کم نیستند روستاها و مناطق دور از شهر در شمال ایران، که از بسیاری جهات مانند شهرها هستند